

## سید محمدعلی جمالزاده

ژنو - سوئیس

« به خیر خاطر ما کوش کاین کلاه نعد (۱)  
 بسی شکست که بر افسر شهی آورد »  
 ( حافظ )

## رواج بازار شعر و شاعری

( قسمت سی ام )

دعای خیر :

در همین ایام در روزنامه هائی که از ایران رسیده است بانهایت تأثر خاطر دیده شد که دوست و پسردائی من آقای استاد مسعود فرزاد در شیراز دچار سکنه مغزی گردیده و در بیمارستان نمازی در تحت معالجه است . با یکدنیا حضور قلب از این راه دور از خداوند خواستارم که باین راد مردی که در تمام طول عمر با کتاب و قلم و شعر و ادب و فضل و معرفت سروکار داشته و با شور و شوق زایدالوصفی فکر و خاطر و توانائی خود را به مراد و مرشد و معشوق واقعی خود خواجه محمد شمس الدین حافظ شیرازی مشغول و مصروف داشته است شفای عاجل و کامل و توفیق روز افزون عطا فرماید .

ژنو ، ۱۶ دی ۲۵۳۵ ، سید محمد علی جمالزاده

## داستان امیر تیمور با خواجه حافظ

امروز گفتار ما درباره رابطه خواجه حافظ با امیر تیمور گورکان

(۱) در بعضی نسخهها بجای « به خیر خاطر » به جبر خاطر آمده است و گویا « خیر

حافظ مناسب تر باشد .

خواهد بود، چنانکه میدانید در این باره داستانی و رویدادهایی بسیار است که همه میدانیم و با این بیت بسیار معروف حافظ سروکار دارد:



(۱) نالغله  
Tecc  
(خفاله)

باید و اگر آن نرک شیرازی بدست آرد دل جانان و لطف شادمانه

و مطالب مختصر دیگری از همین مجموعه در اختیار

در اغلب ( بلکه گوییم ) کتابهای چاپی و در این کتابچه که سال اخیر در باره  
خواججه شیرازی تألیف یافته و چاپ گردیده این فراموشی آنرا در جای خود مذکور

گردیده است و تکرار آن در اینجای ضرورتی ندارد (۱)

۱. نالغله یا نالغله



در هر حال روی هم رفته میتوان گفت که مؤلفین محترم ما که درباره خواجه حافظ کتاب نوشته و داستان ملاقات خواجه حافظ را با امیر تیمور گورکانی نقل فرموده اند با یقین قطعی و بقول طلاب علم بسا ضرر قاطع آنرا حکایت نکرده اند بلکه با اختلاف درجات شک و یقین و با قید احتمال نقل کرده اند چنانکه فی المثل سادروان دکتر قاسم غنی در باره آن ملاقات و گفت و شنود میگوید: «اگر آنرا برانست بدانیم و امر تاریخی بشماریم و تمایل غالب فصله های آن که از روی مضامین غیر الهامی تصور شده باشد، ساخته شده است؛ بنابراین، سبب است که مطالب مبهرا از ادب و سرانجام فکر و عقیده خود را بدین نحو بیان میفرماید: «بلکه در هر حال دلیلی بر تکذیب ناپسندانه و تشبیه اندازیم بلکه قرآن و مؤیدانی نیز موجود است؛ و همچنین بعید نیست پس اشتباهی که خواجه حافظ در این وقت که پیر مرد اقله هفتاد ساله ای بوده داشته و ... در شیراز مرد محترم و معتبری شمرده میشده است این عزل باقیست»

**«اگر آن ترک شیرازی بدست آرد دل مسارا»**

در ناله ۱ (۲۶۶۶ تا ۳۸۶۶ شماره ۱) «مجموعه شعر» در باره حافظ «(۴)

«بخال هندویش بخشم سمرقند بخسارا را» شماره ۲۵۶۱

در عصر امیر تیمور خوانده شده باشد (۲) «مجموعه شعر» (۳)

و مسالها پس از دکتر قاسم غنی آقای رکن الدین همایون فرخ در بخش پنجم از کتاب «حافظ خرابانی» که بلا تردید ثمر و نتیجه سالهای بسیار کار و تحقیق و تکاپوست، در قسمت مخصوصی که در تحت عنوان «خواجه حافظ

(۲) «بحث در آثار و افکار و احوال حافظ» جلد اول، صفحات ۳۹ تا ۳۹/۴

چاپ تهران، ۱۳۲۱ هجری شمسی

و امیر تیمور گورکان (۳) آورده‌اند ، ( هر چند قسمت دوم آنچه را دکتر غنی در این زمینه آورده و در فوق مذکور افتاده است نیاورده‌اند ) احتمال داده‌اند که به قرابینی که همه را شرح داده‌اند داستان نباید خالی از حقیقتی باشد و الحق که هم دکتر غنی و هم ایشان مطلب را با احتیاط لازم ذکر فرموده‌اند . چیزی که هست در همین اواخر سند تازه‌ای بدست راقم این سطور افتاد که در آنجا داستان ملاقات خواجه حافظ با امیر تیمور کاملاً بصورت دیگری آمده است و چون در هیچیک از کتابهایی که درباره حافظ انتشار یافته است ، و من مطالعه کرده‌ام ذکری از آن دیده نشد ( و این خود بغایت مایه تعجب است ) ما در ذیل بنقل داستان آن خواهیم پرداخت باشد که صفحه تازه‌ای بر تاریخ حیات خواجه حافظ افزوده گردد .

### ملاقات امیر تیمور با خواجه حافظ بقلم خود امیر تیمور

در کتاب بسیار مفید و خواندنی « منم تیمور جهانگشا » ( ۴ ) که بقلم خود

( ۳ ) « حافظ خراباتی » بخش پنجم ، ( صفحات ۳۹۸۶ تا ۳۹۹۳ ) ، تهران ، ۱۳۵۲ هجری شمسی .

( ۴ ) « منم تیمور جهانگشا » ( شگفت انگیزترین چهره تاریخی جهان ) ، شرح حال تیمور لنگ بقلم خود او ( گرد آورده مارسل بریون ) ، ترجمه و اقتباس ذبیح الله منصوری ، تهران ( کتابخانه « مستوفی » ) چاپ سوم در ۴۳۲ صفحه ، ( بدون تاریخ سال چاپ ) .

از دوست ارجمند و صاحب‌دل خود آقای دکتر محمدولی قهرمان سپاسگزارم که این کتاب را که سخت کمیاب و بلکه نایاب شده است لطفاً از مشهد برای ارادت‌مند خود به ژنو ارسال فرموده‌اند .



امیر تیمور که مختصری در شرح آن در ذیل خواهد آمد مکرر از حواجه حافظ سخن رفته است ولی قبل از آنکه باین موضوع پردازیم بی مناسب و خالی از فایده نخواهد بود که برای مزید اطلاع خوانندگان قدری هم از خود این کتاب که با احتمال قوی بر بسیاری از هموطنان ما (با آنکه چندبار در ایران بچاپ هم رسیده است) مجهول مانده است سخن برانیم.

بطوری که در مقدمه کتاب بقلم دانشمند بسیار فیاض و خدمتگزار بی سرو صدا و کم ادعا یعنی دانشمند محترم و معظم آقای ذبیح الله منصوری میخوانیم امیر تیمور خاطرات خود را بقلم خود و بزبان فارسی در حیات خود نوشته بوده و بصورت کتابی موجود است و نسخه منحصر بفرد آن در تصرف جعفر پاشا حکمران یمن بوده (البته در دوره‌ای که هنوز یمن جزو امپراطوری عثمانی - ترکیه - بود) و بعد از فوت این شخص نسخه مزبور نزد بازماندگان او باقی ماند تا اینکه کاتبی يك نسخه از روی آن نوشت و با خود به هندوستان برد و پس از مدتی يك افسر انگلیسی آن کتاب را از هندوستان به انگلستان برد ولی ما امروز دیگر نمیدانیم که آیا این افسر انگلیسی همان نسخه منحصر بفرد را با خود از هند به انگلستان برده است و یا آنکه کاتبی را وادار به نوشتن نسخه‌ای از آن کتاب کرده و آن نسخه و رونوشت را به انگلستان برده است: در حال در انگلستان مردی بنام «دیوی» با کمک پرفسور «وایت» استاد دانشگاه اوکسفورد کتاب را به انگلیسی به ترجمه رسانید و متن انگلیسی در سال ۱۷۸۳ میلادی (۵) منتشر گردید و مارسل بریون نویسنده فرانسوی (که عربی میدانند ولی بزبان فارسی آشنا نیست) آنرا بزبان فرانسوی برگردانیده و بچاپ

(۵) در متن چنین است و ظاهراً ۱۸۸۳ میلادی باید صحیح باشد. (ج. ز.)

رسانیده است . باید دانست که این مرد فاضل فرانسوی قبل از نوشتن این کتاب تمام تواریخ قدیم را که راجع به امیر تیمور نوشته شده بود همه را خوانده و آنچه را بزبان عربی بوده همانا در متن اصلی مطالعه کرده و تواریخ فارسی را با کمک ترجمه های انگلیسی و فرانسوی و آلمانی خوانده ، و یادداشتهای بسیار گردآوری کرده و سپس به نوشتن این کتاب پرداخته است .

آقای ذبیح الله منصوری در مقدمه کوتاه ولی جامع خود چنین تذکر داده اند : « کتابی که بنده برای ترجمه کتاب « منم تیمور جهانگشا » از آن استفاده کرده ام و تألیف مارسل بریون میباشد دارای فهرستی است از تمام کتابهایی که مارسل بریون در کتابخانه های مختلف اروپا و آمریکا راجع به تیمورلنگ دیده و شرح حال مختصر هر یک از نویسندگان آن کتب را هم نوشته است . آنگاه آقای منصوری که کاملا اهل کتاب هستند و عمر خود را صرف کتاب فرموده اند افزوده اند :

« بنده تا امروز ندیده بودم که يك نویسنده برای

نشان دادن مآخذهای خویش این قدر دقیق باشد . »

در اینجا آقای منصوری نکته قابل توجهی را تذکر داده اند . نوشته اند

یکی از کتابهایی که مورد استفاده مارسل بریون قرار گرفته کتاب « ظفرنامه »

تألیف شرف الدین علی بزدی است که غیر از استادان تاریخ ما که شغلشان

تدریس تاریخ است هیچکس از هموطنان ما نمیداند که این شرف الدین بزدی

در چه دوره زندگی کرده و چگونه کتاب « ظفرنامه » را نوشته است در حالی

که این نویسنده فرانسوی ما را واقف میسازد که این شرف الدین منشی میرزا



ابراهیم سلطان پسر دوم شاهرخ ( از فرزندان امیر تیمور ) بوده است و کتاب خود را در سنوات ۱۴۲۴ و ۱۴۲۵ میلادی نوشته است ( یعنی متجاوز از ۵۵۰ سال پیش از این ) و در همان یزد زندگی را بدرود گفت و کتابش در سال ۱۶۵۳ میلادی ( ۳۲۴ سال پیش از این ) بزبان فرانسوی ترجمه شده و سپس در سال ۱۷۲۳ میلادی ( هفتاد سال پس از ترجمه فرانسوی ) بزبان انگلیسی بترجمه رسیده و انتشار یافته است . ( ۶ )

( ۶ ) خوشبختانه باید دانست که این کتاب یعنی « ظفرنامه » شرف‌الدین علی یزدی در دو جلد در سال ۱۳۳۶ شمسی در تهران ( امیر کبیر ) بچاپ رسیده و موجود است ، در کتاب « منم تیمور جهانگشا » ( در صفحه ۱۸۷ ) میخوانیم که نظام‌الدین که از ملازمان تیمور بود و وقایع نگار امیر هم بود تاریخی در بارهٔ امیر تیمور نوشته بوده است که امروزه دیگر موجود نیست ولی شرف‌الدین علی یزدی در تألیف کتاب خود یعنی « ظفرنامه » خیلی از کتاب نظام‌الدین استفاده کرده بوده است .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

دیوان نظامی خرمی است بزرگ که تمام سخن سنجان عالی مقام و دانشمندان روزگار از آن خوشه چینی کرده و مضمون روده‌اند . پس اگر دیوان او نبود انواع شعر پارسی حتی غزل سرائی و تغزل بسرحد کمال نمیرسید .

( گنجینه گنجوی )